

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه اول، ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

موضوع: فقه مشاوره/ حدیث اخلاقی (سیره‌ی پیامبر ص در برنامه‌ریزی)/

حدیث اخلاقی (سیره‌ی پیامبر ص در برنامه‌ریزی)

اول سال تحصیلی است و در آستانه ولادت با سعادت رسول مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امام حقایق امام صادق (علیه‌السلام) هستیم. توشه‌های ایام فراوان است. رب أنعمت فزد. در آغاز هر بحثی، حدیث مختصر اخلاقی تقدیم می‌کنیم. به رسم همیشگی‌مان، حدیث اخلاقی تقدیم می‌شود.

امام حسین (علیه‌السلام) از پدرشان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) سؤال کردند که آقا رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، ساعات زندگی‌شان به خصوص وقتی به منزل می‌آمدند چطور بود؟ ایشان امام معصوم (علیه‌السلام) است و چند سال رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را درک کردند. قطعا این روایت برای ماست. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به حرف آمدند. این سخن را دقت کنید و ان‌شاءالله با توجه به موضوع ما برای آن برنامه داشته باشید.

قال الحسين (عليه السلام): سألت أبي (عليه السلام) عن مدخل رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقال: «كان دخوله لنفسه مأذونا له في ذلك فإذا أوى إلى منزله جزء دخوله ثلاثة أجزاء: جزء لله و جزء لأهله و جزء لنفسه ثم جزأ جزءه بينه و بين الناس فيرد ذلك بالخاصة على العامة و لا يدخر عنهم منه شيئا و كان من سيرته في جزء الأمة إيثار أهل الفضل باذنه و قسمه على قدر فضلهم في الدين [1].»

سه زمان مخصوص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

آقا رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، ساعات زندگی خود را به سه قسم تقسیم می‌کردند؛ قسمی برای خودشان، قسمی برای خدا و قسمی برای خانواده. برای خودشان برنامه داشتند و وقت می‌گذاشتند. تمام اوامری که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای دیگران آوردند، اول مأمور به آن، خودشان بودند. خود ایشان، مصداق اتم و اکمل مطیع بودند. این نکته‌ی مهمی است. حتی در دعاهایی که فرمودند: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ [2].

زمانی برای خداوند

جزء لله تبارک و تعالی، آدم را مطیع و متعهد می‌کند. ما به وظایف یومیه‌ی خود باید عمل کنیم؛ ولی وقتی سالک راه می‌شویم که غیر از اوامر واجب، سراغ مستحبات برویم. اگر نماز شب خواندیم، چیز دیگری است.

احکام فقهی و احکام سلوکی

به لحاظ فقه، احکام پنج قسم است؛ وجوب، حرمت، کراهت، استحباب و اباحه. ولی به لحاظ سیر و سلوک، دو حکم بیشتر نداریم. سالک، احکام خمس را دو بیشتر نمی‌بیند. کاری که سالک و عارف انجام می‌دهد، یا مستحب است و یا واجب؛ لذا در «جزء لنفسه»، انسان متعبد و مرتبط می‌شود. تمام علوم، اسلامی هستند. تمام علوم به یک موضوع بر می‌گردد؛ واجب تعبدی. تمام علوم به یک موضوع بر می‌گردد؛ آن هم واجب تقرّبی. هر مطیعی در ارتباط خود با خدا می‌گوید: قربة الی الله.

عالم غیر اسلامی داریم، ولی علم غیر اسلامی نداریم. به لحاظ مبانی معرفتی به این نتیجه رسیدیم که اولین ارتباط انسان، ارتباطش با خالق است. جبرائیل (علیه السلام)، عالم به علوم همه‌ی انسان‌ها است. مبدء علم وحیانی است. «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ» [3]. «رابطه‌ی انسان و خدا ارتباط نفسانی است. برای همین است که عرض ما آن است که در این قسمت اگر انسان بر خلاف این اوامر رفت، قربة الی الله صدق نخواهد کرد، در مقام اراده‌ی تشریعی مد نظر است.

یکی از مباحث، کشف سرّ در مشاوره است که مشاور، چقدر می‌تواند سؤال و جواب کند که خواهیم رسید.

زمانی برای خود و معرفت نفس

در قسمت برای خود، شخصیتش را برای خودش تعریف می‌کند و بعد برای کسانی که با او انس دارند. معرفت نفس، مد نظر است. نبی هم موظف به معرفت نفس است. ما هم موظف به معرفت نفس هستیم. همه‌ی مکلفین، موظف به معرفت نفس هستند.

آبرمرد معرفت نفس را یاد کنیم. در مراسم سالگرد علامه حسن‌زاده (قدس الله نفسه الزکیة) همین را گفتیم. ایشان فرمودند: «من از بین کتاب‌هایم، کتاب «عیون مسائل نفس» را خیلی توجه دارم. اساتید مختلفی را خدمت کردم، ولی هیچ کدام به توانایی و بزرگی ایشان نبود. هیچ ایامی نبود، الا اینکه ایشان در چله بودند. در اربعینیات بودند.

علم اصطلاحی و علم حقیقی و توصیه به نماز شب

اگر می‌خواهید مشاور حقیقی بشوید، نفس خود را بسط دهید. اگر می‌خواهید فقه المشاوره را نهادینه کنید، «جزء لِنفسه» را در وجود خود گسترش دهید. بله، گاهی فقط اصطلاح است که فضل است و فرد، دانشمند می‌شود و متخصص و مبارک است، ولی گاهی دریافت اینها است. وقتی کسی نزد شما می‌آید و حل مشکلی می‌خواهد داشته باشد، می‌گوید یا نگفته، شما راه حل به او می‌دهید. این حقیقت و دریافت است. اگر می‌خواهید چنین شوید، از امروز که اولین جلسه‌ی درس است، کارتان را با سحرخیزی آغاز کنید. اگر من و شما نماز شب خواندیم، دیگران نماز صبح می‌خوانند. اگر ما فقط نماز صبح خواندیم، معلوم نیست پیروان ما نماز صبح بخوانند.

خاطره‌ای از اولین جلسه‌ی درس علامه حسن‌زاده آملی (رحمه‌الله)

قبل از دهه‌ی ۶۰ بود. به عنایت حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) به قم مشرف شدم و برای ما مادری کردند. ما تحت اشراف این اولیای الهی هستیم. روبروی حرم حضرت هستیم. اینکه روزی ما در فیضیه و قم و حکومت جمهوری اسلامی و بهترین حکومت‌ها و زمان‌ها است، شکرگزار باشیم. امام سجاد (علیه‌السلام) گفتند: «خدایا شکر که در دوره‌ی آخرالزمان هستیم». «نایب امام زمان (علیه‌السلام) سکان‌دار است. اینها شکرگزاری دارد.

اولین روزی که محضر علامه رسیدم، دو به دو بودیم. آشنایی قبلی در حرم بود و قرار شد خدمت‌شان برسم. سطح یک را تمام کرده بودم و رسائل و مکاسب را هم تدریس می‌کردم. فرمودند: «آقا جان من قرآن را دریابید». گفتم ریزترش کنید. بچه نیاز به تکلیف دارد. فرمودند: «یک ختم قرآن روی دست در حالت قنوت داشته باشید». اولین برنامه‌ی سیر و سلوکی که دادند، قرائت قرآن روی دست بود. گفتم خصوصیات بیشتری بگویید. گاهی که امروز مرور می‌کنم، مانند یک طفل اشکم جاری می‌شود. فرمودند: «یک ختم قرآن، روی دست در محضر آقا رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بخوانید». اگر بزرگی حرف‌های شما را بشنود، سنگین است. برنامه‌ریزی کردم شب شروع کنم. بلند شدم، چند رکعت نماز خواندم. بعد شروع کردم بسم الله را گفتم، دیدم نمی‌توانم بگویم. یک هفته ده روز در بهترین لحظات شبانه‌روز - یعنی سحرگاه - این طفل مکتبی، یا هنوز به ابجد هم نرسیده است، طول کشید تا بسم الله را بگویم. به محضرشان رسیدم. بدون اینکه بگویم چه شد، فرمودند: «آفرین! بسم الله را توانستید قرائت کنید؛ همین طور آیات دیگر را بروید و با آیات باشید!» نکند روزی قرائت نداشته باشیم. منتخب آیات را در وجودمان پیاده نکنیم. هر روز باید با آیات سر و کار داشته باشیم. «شب مردان خدا روز جهان‌افروز است [4]». برای شب‌تان برنامه‌ریزی کنید. قرائت قرآن را داشته باشید.

زمانی برای اهل و خواص

جزء سوم برای کسانی که با آن مأنوس هستند، جزء برای اهل است. با اهل محشور باشید. امام حسین (علیه السلام) زیرک بودند. سؤال کردند: «اگر وقت می‌خواستند اضافه بر این سه، از کدام می‌گرفتند؟» امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «از جزء خود می‌زدند.»

بعد فرمودند: «آقا رسول الله (صلی الله علیه وآله) برای خواص و خصیصین، وقت خاصی می‌گذاشتند.» رفیع الدرجات را ببینید. عالم این گونه است. وقتی که برای افراد خاص می‌گذاشتند، با توجه به فقه مشاوره، باید برای کسانی که گرفتاری‌شان زیاد است، وقت خاص گذاشت. این سیره را برای خودتان انجام دهید. وقتی برای خانواده بگذارید و وقتی را برای خدا و وقتی را برای خودتان و برای دوستان‌تان و کسانی که مورد رجوع آنها هستید. ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ [5]. سائل را نباید رد کرد. همه‌ی ما سائل هستیم. ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ﴾ [6]. کاری کنید که خودتان هم اهل ذکر شوید.

اگر می‌خواهید به حقیقت علوم برسید، این حدیث را در وجودتان پیاده کنید، تا مورد ذکر شوید.

اشاره به بحث فقه مشاوره در سال‌های گذشته و پیشنهاد استاد به طلاب در این درس

ما چند سال پیش، چند موضوع در فقه مشاوره را گفتیم. گزارشی از آنها خواهیم گفت و در مدرسه‌ی فقه است. تا به مباحث جدید برسیم. رسم ما این است عزیزان به اختیار خودشان، یک نفر بحث را تقریر می‌کنند. ان شاء الله برنامه‌ریزی کنید انجام شود. هر روز یک نفر اجمال بحث را بگوید. بحث اجتهادی است. موضوعی است که تا به حال استدلالی بحث نشده است. کرونا را ما ۵۰ جلسه بحث کردیم و کتابش چاپ شد. ان شاء الله مباحث را با دقت دنبال کنید و اگر سؤالی هست بفرمایید. پرسش آزاد است. در استنباط نباید متکلم وحده بود. خیلی از چهره‌ها از اساتید سطوح عالی هستند. ان شاء الله تحولی در مشاوره و روان‌شناسی اسلامی باشد. به امید عنایت حضرت معصومه (سلام الله علیها) و توجه حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف). از مقام معظم رهبری (دامت برکاته) تشکر می‌کنم که به این مباحث، توجه دارند و نماینده‌های‌شان از مباحث جدید و معاصر ما تشکر کردند. بنده هم تشکر می‌کنم. باید بازوی ولی فقیه باشیم. شما عزیزانی هستید که جزو یاران ایشان هستید. باید در جهاد تبیین، مباحث را بیان کنیم.

[1] مسند الإمام الشهيد أبي عبد الله الحسين بن علي (ع)، العطاردي، الشيخ عزيز الله، ج ٣، ص ٩٢.

[2] سورة حمد، آيه ٦.

[3] مصباح الشريعة المنسوب للإمام الصادق (ع)، المنسوب للإمام الصادق (ع)، ج ١، ص ١٦.

[4] سعدى، قصايد، مواعظ، موعظهى شماره ٧.

[5] سورة ضحى، آيه ١٠.

[6] سورة نحل، آيه ٤٣.